



محمد مظفر بن محمد حکیم یزدی کاتبی از درویش‌های نعمت‌اللهی در عصر صفوی

محمد رضا ابوئی مهریزی*

چکیده

گروهی از پژوهش‌گران به تازگی ارزش انجامه‌های^۱ نسخه‌های خطی را در مطالعات تاریخی دریافته و آنها را مهم شمرده‌اند؛ زیرا با مطالعه آنها می‌توانند اطلاعات ارزنده‌ای به دست آورند که نمونه‌اش را در هیچ متن تاریخی نمی‌توان یافت. شماری از نسخه‌های خطی یکی از کاتبان عصر صفوی به نام محمد مظفر بن محمد حکیم یزدی اکنون در دست است که با بررسی درون‌مایه و انجامه‌های آنها، به پاره‌هایی از اطلاعات زندگی او می‌توان پی برد. تذکره‌های هم‌روزگار یا نزدیک به زمان او، این اطلاعات را در خود نیاورده و تنها او را هنرمند و خوش‌نویسی خوش‌ذوق و کوشا و از درویش‌های نعمت‌اللهی و مریدان و ملازمان صاحب‌سجاده و مقام ارشاد در طریقت نعمت‌اللهی؛ یعنی میرزا شاه ابوالمهدی (نیمه دوم سده یازدهم هجری) دانسته و از انجام یافتن برخی از دست‌نویس‌های به نام وی یاد کرده‌اند.

* دانش‌جوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانش‌گاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران و محقق متون تاریخی و ادبی

۱. «انجامه»، صورت فارسی «ترقیمه» یا «رقم کاتب» است. رقم را کاتبان در پایان کتابت هر اثر می‌آوردند و اطلاعاتی را مانند نام خودشان و گاهی نام کسی که کتاب به او پیشکش می‌شد (مُهدی الیه)، تاریخ و مکان کتابت در آن می‌گنجانند. این واژه فارسی را استاد ایرج افشار به جای ترقیمه پیش‌نهاد کرده است.



گوناگونی علائق و زمینه فرهنگی محمد مظفر و دیگر نعمت‌اللهیان که علوم و معارف گوناگونی را مانند رسائل عرفانی، علوم قرآنی، علم الحدیث، طب، معرفت ادویه و داروشناسی و تاریخ در بر می‌گرفته است، از دیگر یافته‌هایی به شمار می‌رود که با بررسی دست‌نوشته‌های این کاتب و انجамه‌هایش فراچنگ می‌آید.

کلیدواژگان

محمد مظفر یزدی، میرزا شاه ابوالمهدی نعمت‌اللهی، طریقت نعمت‌اللهی، دوره صفویه، خوش‌نویسی، نسخه‌های خطی، انجامه‌های نسخ خطی.

درآمد

مشرب صوفیانه خاندان شاه نعمت‌الله ولی (م ۸۳۴ ق)، افزون بر کشش و جایگاه والای مذهبی و عرفانی که مریدان بسیاری را به دور آنان گرد می‌آورد، همواره گروه فراوانی را از ادیبان و دانش‌مندان مانند وحشی بافقی (م ۹۹۱ ق) بر سر خوان نعمت آنان می‌نشانند. این ویژگی خود از ثروت و دارایی‌های گسترده‌ای سرچشمه می‌گرفت که موجب ارادت‌ورزی ویژه مریدان می‌شد و توجه پادشاهان و امیران ایران و هند را به‌ویژه در روزگار تیموریان و صفویان، بدین خاندان جلب می‌کرد.

محمد مظفر بن محمد حکیم یزدی، از کاتبان و خوش‌نویسان سده یازدهم هجری نیز در شمار ارادت‌مندان و خادمان سلسله نعمت‌اللهی بود. آگاهی از ارتباط وی با آن خاندان و طریقت آنان، با مطالعه نسخه‌های خطی بر جای مانده از او و انجامه‌های آنها به دست می‌آید؛ زیرا وی در آنها، خود را خاک پای درویشان نعمت‌اللهی می‌خواند و دست کم در یک جا آشکارا می‌گوید نسخه را برای میرزا شاه ابوالمهدی، از بزرگان و پیشوایان خاندان و طریقت نعمت‌اللهی (نیمه دوم سده یازدهم هجری) نوشته است.

میرزا شاه ابوالمهدی، فرزند شاه سلیمان میرزا، پسر امیر غیاث‌الدین محمد میرمیران یزدی (م ۹۹۹ ق) بود که آنان خود از برجسته‌ترین شاخه‌های دودمان شاه نعمت‌الله به شمار می‌رفتند و از روزگار تیموریان و ترکمانان قراقویونلو (سده نهم) بیش‌تر در یزد



می‌زیستند. میرمیران یزدی، فرزند شاه نعمت‌الله یزدی (م ۹۷۱ ق) نیز وزیر و داروغه یزد^۱ و از جایگاهی بلند در آن دوران برخوردار بود؛ چنان‌که امین‌احمد رازی در *هفت اقلیم*^۲، اسکندر بیگ منشی در *عالم‌آرای عباسی*^۳ و تقی‌الدین اوحدی در *عرفات العاشقین*^۴، درباره بلندای مقام و شکوه دستگاه او بسیار سخن گفته‌اند. اهمیت و اعتبار این خاندان، زمینه را برای ازدواج فرزندان آنان با شاهزادگان صفوی و برخی از شاهزادگان تیموری و عاملان آنان در هند فراهم آورد، اما سرکشی میرمیران یزدی در تعامل با افشاران کرمان به سرکردگی بیگتاش خان افشار در نخستین سال‌های فرمان‌روایی شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۶ ق) و سرکوب شدن آنان به دست یعقوب خان ذوالقدر، حکمران فارس (۹۹۸ هـ)، موجب فروکاهش آن جایگاه بلند شد. البته آنان پس از این نیز همچنان خاندانی محترم به شمار می‌آمدند و گاهی در جایگاه سرپرستی برخی از کارها می‌نشستند.

میرزا شاه ابوالمهدی، که محمد مظفر در خدمت و ملازمت وی به سر می‌برد، پس از درگذشت پدرش شاه سلیمان میرزا در روزگار سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق)، جانشین پدرش و صاحب سجاده و مقام ارشاد در طریقت نعمت‌اللهی شد. هم‌چنین پس از وفات میرزا شاه ابوالبقا، برادر میرزا شاه ابوالمهدی که کلانتر یزد بود، شاه عباس دوم، میرمیران فرزند میرزا شاه ابوالمهدی را بدین مقام گماشت.^۵

خاندانی چنین با شکوه و نفوذ، دانش‌مندان، ادیبان و هنرمندان بسیاری را بر خود گرد می‌آورد که به پشتیبانی آنان آثاری می‌آفریندند و به آنان پیشکش می‌کردند؛ چنان‌که *تحفه المحبین*، نوشته یعقوب بن حسن سراج شیرازی در آیین خوش‌نویسی و لطائف

۱. قاضی احمد قمی، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. امین احمد رازی، *تذکره هفت اقلیم*، تصحیح سید محمد رضا طاهری، ج ۱، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۳. اسکندر بیگ منشی، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴. تقی‌الدین اوحدی بلیانی، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، نسخه خطی، ص ۱۰۷۶.

۵. محمد مفید مستوفی بافقی، *جامع مفیدی*، تصحیح ایرج افشار، ج ۳، ص ۸۳.



معنوی آن، به نام شاه محب الله^۱ (م ۹۱۴ق)، *تریاق فاروق*، نوشته حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی در طب، به نام شاه نعمت الله یزدی^۲ (م ۹۷۱ق) و *تاریخ نادرشاهی*، نوشته محمد شفیع طهرانی متخلص به وارد، به نام نواب بیرم خان^۳ (زنده در ۱۱۵۶ق) سامان یافت که هر سه در شمار نوادگان شاه نعمت الله ولی بودند.

میرزا شاه ابوالمهدی که در نیمه دوم سده یازدهم هجری می‌زیست و از بزرگان و سرآمدان آن دودمان بود، از این چارچوب بیرون نماند و افزون بر محمد مظفر، برخی از بزرگان و دانش‌مندان هم‌روزگارش، به او توجه می‌کردند. مولانا محمد مقیم یزدی (م ۱۰۸۴ق)، از مفسران و محدثان سده یازدهم هجری و نویسنده *سفینه النجاه* در تفسیر قرآن از این گروه است. وی این کتاب فارسی را که برگرفته از قرآن مجید و کتاب‌های حدیثی چهارگانه شیعه (*اصول کافی*، *من لا یحضره الفقیه*، *التهدیب و الاستبصار*) درباره عقائد، احکام و زیارات شیعه بود، به اشارت میرزا شاه ابوالمهدی نعمت‌اللهی در ۱۰۷۷ قمری نوشت^۴. ازدواج میرزا مظفر حسین، شیخ الاسلام کرمان با دختر میرزا شاه ابوالمهدی در ۱۰۸۲^۵ نیز بر نزدیکی و تعامل نعمت‌اللهیان با اهل شریعت در آن روزگار (اواخر عهد صفوی) گواهی می‌دهد که فزونی متشرعان در آن بسیار نمایان بود. البته این موضوع موجب نشد که میرزا شاه ابوالمهدی صاحب سجاده و مقام ارشاد در طریقت نعمت‌اللهی، در کار سنتی خود و توجه به تعلقات آن سستی کند؛ چنان که در ۱۰۶۷، پنج قالی برای بقعه جدش شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان کنار گذارد و مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی، از ادیبان و خوش‌نویسان روزگار در این‌باره چنین سرود:

۱. یعقوب بن حسن سراج شیرازی، *تحفه المحبین*، ص ۵۲.

۲. کمال بن نور بن کمال طبیب شیرازی، *تریاق فاروق*، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۳. محمد شفیع طهرانی (وارد)، *تاریخ نادرشاهی* (نادر نامه)، تصحیح دکتر رضا شعبانی، ص ۴۹.

۴. محمد مقیم یزدی، *وسیلہ النجاه*، ص ۱.

۵. میر محمد سعید مشیزی، *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ص ۳۷۹.



ابوالمهدی سلیمان نسبتی ز اولاد امجدش
 مهیا پنج قالی کرد از فرخنده فالی‌ها
 چو تاریخش وقاری جست گفتش ملهم غیبی
 به محراب دعا سجاده مهدی است قالی‌ها^۱

به هر روی، شأن و منزلت معنوی میرزا شاه ابوالمهدی چنان بود که اهل شمشیر نیز همچون اهل قلم، برای رابطه با وی انگیزه داشتند؛ چنان که هنگام رفتن او به سفر حج (۱۰۶۵ ق)، حسین پاشا والی و مأمور دولت عثمانی در بصره به دیدار وی شتافت^۲. باری، محمد مظفر بن محمد حکیم یزدی، در میان علاقه‌مندان و مریدان میرزا شاه ابوالمهدی جایگاه ویژه‌ای دارد. او که کاتب و خوش‌نویس چیره‌دستی بود، نسخه‌هایی را برای میرزا شاه ابوالمهدی استنساخ کرد یا در انجامه آنها خود را «خاک پای درویشان نعمت‌اللهی» خواند. شاید این خود گواهی دهد که وی از درویشان نعمت‌اللهی و مریدان میرزا شاه ابوالمهدی بوده است. برخی از نسخه‌های خطی که او آنها را برای نعمت‌اللهیان نوشت، از نسخه‌های ارزنده و نیکو به شمار می‌روند. روشن است که کار استنساخ نسخ خطی نفیس برای خاندان بزرگی چون نعمت‌اللهیان، رایج بوده و تنها در روزگار زندگانی میرزا شاه ابوالمهدی صورت نمی‌گرفته است؛ چنان که استنساخ نسخه‌ای از *مطلع الانوار* امیر خسرو دهلوی (۹۹۱ ق) در باغ کوشک قصبه تفت برای شاه خلیل‌الله فرزند میرمیران یزدی (م ۱۰۱۷ ق) و عموی میرزا شاه ابوالمهدی، این دعوی را اثبات می‌کند^۳. این نسخه که جلدی ضخیم از تیماج سیاه دارد و روی آن با اصول زرکوب تزیین شده است، اکنون به نام سالتیکف شدرین، از ذخایر کتابخانه دولتی سنت پترزبورگ روسیه به شمار می‌رود.

۱. محمد امین وقاری طبسی یزدی، *گل‌دسته اندیشه*، به کوشش محمد رضا ابوتی مهریزی، ص ۱۱۲.

۲. محمد مفید مستوفی بافقی، همان، ص ۷۸ و ۷۹.

۳. امیر خسرو دهلوی، *مطلع الانوار*، تصحیح طاهر احمد اوغلی محرم اوف، ص ۱۵.



از احوال محمد مظفر، اطلاعات فراوانی در دست نیست و تذکره‌نویسان اواخر عهد صفوی و پس از آن، به شرح حال او نپرداخته‌اند. تنها منبع اطلاع از او، نسخه‌های دست‌نویس وی به‌ویژه بخش انجامه آنهاست. پژوهش‌های تازه‌تر درباره احوال خوش‌نویسان نیز به او و احوالش نپرداخته‌اند. تنها ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در *تاریخ خط و خطاطان*، در بخش خطاطان سده یازدهم هجری این عبارت را درباره‌اش آورده است: «محمد مظفر بن حکیم نعمت‌اللهی، نویسنده خط نسخ ۱۰۸۴^۱». روشن نیست که مقصود رفیعی مهرآبادی از خط نسخ ۱۰۸۴، کدام نسخه خطی است. نسخه خطی ۱۰۸۴ قمری در میان اجزائی از نسخه‌های یاد شده در این جستار دیده می‌شود، اما هیچ یک به خط نسخ نوشته نشده‌اند و از این‌رو، می‌توان گمان زد که مقصود او نسخه دیگری بوده است.

حسین بدرالدین در مقدمه خود بر دو رساله عرفانی نجم‌الدین کبری؛ یعنی *آداب المریدین و السائر الحائر الواجد الی السائر الواجد الماجد*، از محمد مظفر بن محمد حکیم در شمار آن دسته از مشایخ طریقت یاد کرده است که نسب خرقه ارشاد و خلافت شیخ نجم‌الدین کبرا را به کمیل بن زیاد رسانده‌اند.^۲ او هم‌چنین به عکسی در مجموعه رسائل شاه نعمت‌الله ولی به نام *رضوان المعارف الالهیه* استناد کرده که اصل نسخه خطی آن را محمد مظفر نوشته است. بخشی را که حسین بدرالدین بدان استناد کرده است، پاره‌ای از بخش نخست آن به شمار می‌رود: «تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی»، تصنیف عبدالرزاق کرمانی. گویی حسین بدرالدین، محمد مظفر کاتب نسخه را عبدالرزاق کرمانی (نویسنده آن) پنداشته و او را که بر پایه قرینه‌ها، خوش‌نویس و از مریدان سلسله و طریقت نعمت‌اللهی بوده، از مشایخ طریقت انگاشته است.

۱. ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، *تاریخ خط و خطاطان*، ص ۲۰۵.

۲. شیخ نجم‌الدین کبرا، *دو رساله عرفانی*، به اهتمام حسین بدرالدین، ص ۷۸.



وصف چند نمونه از دست‌نویس‌های شناخته شده (استنساخ و تصنیف) محمد مظفر و اطلاعاتی که درباره روابط وی با طریقت نعمت‌اللهی و خود میرزا شاه ابوالمهدی با بررسی انجامة‌های این نسخه‌ها به دست می‌آید، بدین شرح عرضه می‌شود:

مجموعه رسائل شاه نعمت‌الله ولی

این نسخه که با شماره ۳۷۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در قالب نسخ مجلس سنای پیشین نگهداری می‌شود^۱، پیش از انتقال به کتابخانه مجلس در خانقاه شمس‌العرفاء حسین بن محمد رضا حسینی (م ۱۳۵۳ ق) بوده است و اکنون ۳۲۵ برگ (۶۵۰ صفحه) و هر صفحه‌اش ۳۳ سطر نستعلیق ریز دارد. قطع نسخه رقعی است و جلدی مقوایی از تیماج مشکی دارد و در پاره‌ای از برگ‌هایش مطالبی پراکنده به خط شکسته نستعلیق دیده می‌شود که بیش‌تر به نقل احادیثی در مناقب و فضایل امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام از آثاری چون *عیون اخبار الرضا*، نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) می‌پردازد.

با توجه به برخی از همانندی‌های ساختاری میان این خط‌های شکسته نستعلیق با برخی از اجزای انجامة نسخه *الجامع فی الادویه المفردة*، گمان می‌رود که این خط‌ها را نیز همانند دیگر اجزای نسخه، خود محمد مظفر قلمی کرده باشد.

این نسخه را که با تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی، نوشته عبدالرزاق کرمانی (زنده در ۹۱۱ ق) آغاز می‌شود، مرحوم ژان اوبن فرانسوی همراه با دو رساله دیگر در احوال شاه نعمت‌الله ولی و خاندانش تصحیح و منتشر کرد (۱۹۷۱ - ۱۹۶۶)^۲.

۸۵ رساله از رسائل شاه نعمت‌الله ولی در تبیین مسائل عرفانی به عربی و فارسی، پس از این تذکره آمده‌اند که ۳۹ رساله از آنها با عنوان *مجعول* «رضوان المعارف الالهیه»، به شیوه چاپ عکسی منتشر شده است. جواد نوربخش کرمانی در تصحیح و انتشار رسائل

۱. محمدتقی دانش‌پژوه و بهاء‌الدین علمی انواری، *فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا*، ص ۲۰۴ الی

۲۱۲.

۲. عبدالرزاق کرمانی، *تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی*، تصحیح ژان اوبن، ص ۱۳۱ - ۱.



شاه نعمت الله ولی (۱۳۴۶ - ۱۳۴۰) در خانقاه نعمت‌اللهی تهران، از میان نسخه‌های فراوان آن از این نسخه نیز بهره گرفت و با توجه به ویژگی‌هایش، آن را اساس کار خود قرار داد.

محمد مظفر بن محمد حکیم، این نسخه را در ۲۱ سال (۱۰۸۷ - ۱۰۶۶ ه. ق) استنساخ کرد و با توجه به تفاوت تاریخ کتابت رسائل آن با یک‌دیگر، بی‌گمان پس از دست شستن از این کار، بدون توجه به نظم تاریخی نگارش آنها، به تدوین و صحافی‌اش پرداخت. البته او تذکره عبدالرزاق کرمانی را درباره احوال شاه نعمت الله ولی، در آغاز نسخه گنجاند و آن را به مقدمه‌ای درباره احوال شاه ولی، پیش از آغاز رسائل وی پیش روی خوانندگان گذارد. تاریخ کتابت این تذکره مزبور (یکشنبه بیستم جمادی الثانی ۱۰۸۷ ق) با تاریخ گردآوری نسخه که در انجامه محمد مظفر یاد شده است، برابری می‌کند.

محمد مظفر در پایان برخی از رسائل، از جای استنساخ آنها نیز نام می‌برد و از این‌رو، این مجموعه از نسخه‌های کم‌مانند و درخور به شمار می‌رود. یزد و توابع (قصبات و قرای) آن، از جاهایی‌اند که در انجامه این رسائل از آنها یاد می‌شود. این موضوع با توجه به اینکه یزد در روزگار تیموریان، ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو و صفویان، مرکز استقرار گروهی از برجسته‌ترین شاخه‌های دودمان نعمت‌اللهی بود، بسیار مهم می‌نماید. بزرگ دودمان نعمت‌اللهی یزد در روزگار حیات محمد مظفر (کاتب این نسخه) در نیمه دوم سده یازدهم هجری، میرزا شاه ابوالمهدی بوده است و با توجه به حضور پیوسته و درازمدت کاتب در یزد که از انجامه‌های رسائل نسخه آشکار می‌شود و از این روی که وی در برخی از انجامه‌های خویش، خود را خاک پای درویشان نعمت‌اللهی می‌خواند و با توجه به دیگر انجامه او در نسخه *الجامع فی الادویه المفردة* که در آن به استنساخ نسخه برای میرزا شاه ابوالمهدی تصریح می‌کند، به ارتباط وی با نعمت‌اللهیان و خود میرزا شاه ابوالمهدی می‌توان پی برد. حتی می‌توان گمان زد که وی نسخه رسائل شاه نعمت الله ولی را برای خود میرزا شاه ابوالمهدی نوشته باشد.

افزون بر اینها، قرینه دیگری بر هم‌نشینی محمد مظفر با میرزا شاه ابوالمهدی گواهی می‌دهد. این قرینه از انجامه الرساله الموسومه بالجواهر من کنوز خزائن اسرار، در ترجمه فصوص الحکم محیی‌الدین عربی (م ۶۳۸ ق) به دست می‌آید که هشتادمین رساله موجود در این مجموعه به شمار می‌رود. این رساله، سه‌شنبه هجدهم ذی‌الحجه ۱۰۸۴ (روز عید غدیر خم) در باغ مهرآباد واقع در محله اهرستان یزد استنساخ شده است. بنا بر گفته صریح محمد مفید مستوفی بافقی، مورخ آن روزگار، میرزا شاه ابوالمهدی در ۱۰۷۰ قمری آن باغ با شکوه را که عمارت، تالار و دریاچه‌ای مصفا داشت، در اهرستان یزد برپا کرد. میرزا شاه ابوالمهدی در این باغ که جایگاه تابستانی او بود، به هم‌نشینی با علما و بزرگان و اعیان می‌پرداخت^۱. بنابراین، گمان می‌رود که محمد مظفر در سال‌های استنساخ رسائل این نسخه، با میرزا شاه ابوالمهدی همراه و حتی هنگام سفرها و هجرت‌های او به جاهای گوناگون یزد؛ یعنی منطقه‌های کوهستانی و خوش آب و هوا مانند سانج، تفت، قهستان (عنوان عمومی ناحیه کوهستانی و تفرج‌گاهی آن‌جا) و مهریجر (مهریز)، به کتابت آن رسائل سرگرم بوده باشد. انجامه نخستین رساله این نسخه و انجامه پایانی آن که از دیگر انجامه‌های مهم‌تر می‌نمایند، چنین گزارش می‌شود:

انجامه تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت الله ولی تصنیف عبدالرزاق کرمانی (نخستین رساله نسخه)

قد وقع الفراغ من تنمیقه ضحوه يوم الاحد العشرین من شهر جمادی الثانی سنه سبع و ثمانین بعد الالف فی قریه سانج من اعمال یزد. خاک پای درویشان نعمت‌اللهی، ابن محمد حکیم محمد مظفر غفرالله عنهما^۲.

۱. محمد مفید مستوفی بافقی، همان، ص ۸۶ - ۸۴.

۲. عبدالرزاق کرمانی، تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت الله ولی (در قالب مجموعه خطی رسائل شاه نعمت الله

ولی)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۴۳.



انجامه پایانی نسخه درباره گردآوری آن رسائل

هو الحمد لله على نعمائه و الصلوه و السلام على اشرف انبيائه و آله و اوصيائه، فراغت یافت از جمع این رسائل به تاریخ شهر سنه ۱۰۸۷ اقل عبادالله الکریم الرحیم ابن محمد حکیم؛ یعنی خاک پای درویشان نعمه اللهی محمد مظفر^۱.

شماره‌های دیگر رسائل این نسخه، چنینند: ۱۰۶۶، ۱۰۷۴، ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵ و برخی از آنها نیز تاریخ کتابت ندارند.

ب) الجامع فی الادویه المفرده

نسخه پراهمیت دیگری از دست‌نوشته‌های محمد مظفر، نخستین بخش *الجامع فی الادویه المفرده*، نوشته احمد بن محمد غافقی اندلسی (م ۵۶۰ ق) است. این نسخه کاغذی از ترمه و ۲۶۲ برگ (۵۲۴ صفحه) نوزده سطری به خط خوش نسخ دارد و در قطع رقعی با جلدی میشن قهوه‌ای لایی منتشر شده است و با شماره ۵۹۵۸ در کتابخانه ملی ملک در تهران نگاه‌داری و در آغاز آن افتادگی‌هایی دیده می‌شود. موضوع این کتاب، شناخت داروها و ویژگی‌های گیاهان، و جانورانی است که خواص و منافع طبی و دارویی دارند و در بحث از خواص و نام‌های گوناگون آنها، گفتار دانش‌مندان گوناگون را در این باره یاد می‌کند. ابن ابی اُصیبَه^۲ در *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، از نویسنده این اثر با نام امام فاضل و حکیم عالم و از اکابر اندلس یاد می‌کند و کتاب وی را در ادویه مفرده، اثری بی‌همتا می‌خواند^۳.

محمد مظفر که به فرمان میرزا شاه ابوالمهدی به کتابت این نسخه پرداخته، چهارشنبه ۲۹ ذی‌الحجه ۱۰۷۷ از استنساخ آن دست شسته است. با توجه به ناهم‌گونی رسم الخط انجامه این نسخه با متن کتاب، به درستی و اصالت آن نباید بدگمان شد؛

۱. شاه نعمت الله ولی، *رسائل شاه نعمت الله ولی*، نسخه خطی، ص ۶۵۰.

۲. ابن ابی اُصیبَه (م ۶۶۸ ق)، از حکیمان و طبیبان شهیر شامی و از خاندان ابی اصیبعه و نویسنده کتابی با نام *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* که از گسترده‌ترین تذکره‌ها در شرح احوال طبیبان تا سده هفتم هجری است.

۳. ابن ابی اصیبعه، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، تصحیح نزار رضا، ص ۵۰۱ - ۵۰۰.



زیرا نوشتن انجامه نسخه‌ها با خط‌های ناهم‌گون با متن اصلی، از شیوه‌های رایج نزد کاتبان بوده است و نمونه‌های فراوانی برای این کار می‌توان یافت. انجامه این نسخه چنین است:

الحمد لله الذي وفقني لاتمام هذا الكتاب و أسأله ان يعطيني كتابي بيمينى يوم يقوم الحساب و الصلوة و السلام على رسوله محمد و آله و اصحابه خير آل و اصحاب و قد وقع الفراغ من استنساخه ضحوة يوم الاربعاء التاسع من العشر الثالث من شهر ذى حجة الحرام حجة سبع و سبعين بعد الالف امثالاً لامر صاحب الاعظم الاكرم زبده الاكابر فى العرب و العجم قدوه السادات و النجباء فى العالم عمده النقباء الكرام بين الامم المقتدى بسير آياته العظام المهتدى بهدايه الملك العلام مرتضى ممالك لاسلام مقتدى طوايف الانام بدر فلک السيادة و النجابه شمس سماء الهدايه و النقايه الذى تستغنى ذاته الشريفه عن النعوت و الاوصاف فان فضائله مشتهره فى الانحاء و الاطراف اعنى نواب ميرزا شاه ابو المهدى ادام الله تعالى ظلال جلاله لك يوم القيام و خلد ميامن ظلاله على مفارق الانام مادامت الشهور و الاعوام مشتمله بالليالى و الايام بحق النبى محمد و آله عليه و عليهم السلام و التحيه و الاكرام على يد اقل خدامه محمد مظفر بن محمد حكيم عفى عن سيئاتهما بمحمد صاحب الخلق العظيم عليه و آله التحيه و التسليم^۱.

وى در چنین انجامه پر طمطراقى، از علاقه فراوانش به مخدوم خود میرزا شاه ابوالمهدى خبر مى‌دهد و حتى خود را «اقل خدام او» مى‌نامد. به کارگیری عنوان اشرافى «مرتضى ممالك اسلام» برای میرزا شاه ابوالمهدى، از نکته‌های مهم این انجامه است؛ عنوانی که بیش‌تر درباره سادات بزرگ و معتبر و دارندگان مقام‌های صدارت یا نقابت به کار می‌رفت و برخی از نیاکان شاه ابوالمهدى مانند شاه نعمت الله یزدى و امیر غياث الدين محمد ميرميران یزدى نیز از آن برخوردار بودند.

۱. احمد بن محمد غافقى اندلسى، الجامع فى الادويه المفردة، نسخه خطى، ص ۵۲۳.



نقش‌های زیبا و رنگارنگ این نسخه (بیش از ۳۴۳ شکل از گیاهان و حیوانات)، از ویژگی‌های مهم آن است. این نقش‌ها موجوداتی را بازمی‌نمایند که کتاب به بحث درباره نام‌ها و خواص آنها می‌پردازد. به درستی روشن نیست که نقش‌های این نسخه را نیز کاتب کشیده است یا نه، اما دلیلی هم بر منسوب نبودن آنها به وی در دست نیست. می‌توان گمان زد که نمونه این نقش‌ها در نسخه «منقول عنه» نیز بوده و کاتب یا نقاش نسخه، بر پایه الگوگیری از آنها به نقاشی پرداخته باشد. به هر روی، ریزبینی در کشیدن این شکل‌ها و رنگ‌آمیزی آنها، بسی شگفتی‌برانگیز است و می‌توان آن را از نمونه‌های درخور تصویرگری طبیعت در عصر صفوی شمرد و چنانچه هنرمندان به‌ویژه کارشناسان تاریخ هنر ایران به بررسی آنها بپردازند، شاید نکته‌های شایسته‌ای در این‌باره فراچنگ آورند. گوناگونی شکل‌ها و رنگ‌های این نقش‌ها نیز بسیار دیدنی‌اند به‌ویژه درباره شکل‌های گیاهانی مانند طرخون (ترخون)^۱ و انگور^۲ که گونه‌های آنها با باریک‌بینی و نظمی ستودنی، کنار هم آمده‌اند و این ویژگی، افزون بر اهمیت هنری و طبی، بر اهمیت مطالعه این نسخه از دید تاریخ علوم طبیعی و تاریخ فلاحت دلالت می‌کند.

با توجه به آگاهی‌هایی که درباره محمد مظفر کاتب نسخه و «مُهدی الیه» آن، میرزا شاه ابوالمهدی در دست است، این نسخه گواهی می‌دهد که حوزه علائق فرهنگی نعمت‌اللهیان از چارچوب‌های عرفانی بسیار فراتر می‌رفته و آثار علمی و طبی این نسخه در رسته علائق آنان می‌گنجیده است.

ج) فواید آیات کلام الله الملك المتین و بحر الغرائب

دیگر دست‌نوشته محمد مظفر، جُنْگی است که دو رساله درباره «شرح اسماء الله تعالی و خواص و فواید مترتب بر آنها» در برمی‌گیرد. این نسخه رقی ۱۲۹ برگ (۲۵۸ صفحه) از ترمه سمرقندی و جلدی از میشن ضربی دارد. برگ نخست هر دو رساله دارای سرلوحی

۱. همان، ص ۳۹۱.

۲. همان، ص ۴۹۵ - ۴۹۳.



لاجوردین و زرین و مشکین است و دیگر برگ‌هایش نیز به زر و مشکی با کمند «مُجَدول» شده‌اند. ۴۹ جدول نیز در نسخه به چشم می‌خورند. این نسخه که با شماره ۶۱۹۰ در کتابخانه ملی ملک در تهران است، بر پایه یادداشت سال ۱۲۷۰ قمری، در همان تاریخ به کتابخانه شاهزاده خانلر میرزا احتشام الدوله سپرده شده است.^۱ مَهر او در زیر این یادداشت و انجامه نسخه نیز دیده می‌شود. خود او در صفحه عنوان نسخه چنین می‌نویسد: «هو الله عز اسمه از کتب موروثی این بنده ذلیل است و أنا العبد عز العلی احتشام الدوله المتخلص بعدی».

نخستین رساله این نسخه *فوائد آیات کلام الله* و دیگری *بحر الغرائب*، نوشته محمد بن شیخ محمد بن ابوسعید هروی است و هر دو رساله به خط نستعلیق نوشته شده‌اند. محمد مظفر دومین رساله (*بحر الغرائب*) را دوم شوال ۱۰۸۳ و رساله دیگر را در ۱۰۸۴، در ماهان کرمان به پایان برده است. انجامه رساله دوم چنین است: «قد تم فوائد آیات کلام الله الملك المتین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین فی شهر سنه اربع و ثمانین و الف و الحمد لله رب العالمین در ماهان بهشت نشان مرقوم گردید خاک قدم درویشان نعمت اللهی محمد مظفر^۲».

انجامه *بحر الغرائب* نیز چنین است: «فارغ گردید از کتابت این نسخه به تاریخ دو شهر شوال سنه ۱۰۸۳ در قصبه طیبیه ماهان خاک پای درویشان نعمت اللهی محمد مظفر^۳». کتابت این رسائل در ماهان در جوار آستان و بقعه شاه نعمت الله ولی، با توجه به اینکه نویسنده در هر دوی آنها خود را خاک پا یا خاک قدم درویشان نعمت اللهی می‌نامد، خود در حکم سند دیگری درباره پیوند استوار محمد مظفر با طریقت نعمت اللهی و میرزا شاه ابوالمهدی، پیر و مراد آن روزگار آنان است؛ یعنی همان شیوه موجود در انجامه رساله

۱. مجموعه خطی در شرح فوائد و خواص آیات و اسماء الله، کتابخانه ملی ملک، ص ۱.

۲. همان، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۲۵۶.



نخست مجموعه رسائل شاه نعمت الله ولی و انجامه پایانی نسخه (سه سال پس از ۱۰۸۷ق)، در این نسخه‌ها نیز دیده می‌شود.

د) مجموعه تاریخ از محمد مظفر

مجموعه سه رساله در تاریخ نیز از دست‌نوشته‌های محمد مظفر است. این نسخه که با شماره ۳۹۲۰ از نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک تهران به شمار می‌رود، با نسخه‌های پیشین متفاوت می‌نماید؛ زیرا یکی از این سه تاریخ افزون بر اینکه از دست‌نوشته‌های محمد مظفر به شمار می‌رود، تصنیف اوست.

این نسخه ۱۴۱ برگ (۲۸۲ صفحه) فستقی^۱ و هر صفحه آن ۲۹ سطر و قطعی رحلی و جلدی میشن سیاه رویه روغنی دارد. محمد مظفر این نسخه را نیز به خط نستعلیق نوشته، اما ۲۶ برگ پایانی آن که به گمان افتاده بوده، از نو نوشته شده است که همه آنها را از بخش سوم نسخه باید به شمار آورد. خطی نو نویس در پایان بخش دوم و پیش از آغاز بخش سوم در صفحه‌ای که به گمان سفید و نانوشته بوده است، صورت وزرای دوره قاجار را در بردارد.

نخستین رساله این نسخه، تاریخچه‌ای را از هبوط آدم تا روی داده‌های ۱۰۷۹ قمری در اوائل سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷ ق) گزارش می‌کند که فهرست‌نگاران کتابخانه ملک آن را *زبده التواریخ* (مجموع التواریخ یا لب التاریخ)، نوشته ملا کمال بن ملا جلال‌الدین محمد منجم یزدی دانسته‌اند.^۲ هر چند این رساله درون‌مایه و ساختاری همچون تاریخ ملا کمال دارد، در ویژگی‌های بسیاری با آن همانند نیست؛ زیرا تاریخ ملا کمال در قالب تاریخ صفویان همراه با رساله تاریخی کوچک دیگری به نام *خلاصه التواریخ*، به همت ابراهیم دهگان به چاپ رسیده است که اخبار دولت صفویان تا ۲۶ صفر

۱. «فُستق»، معرّب پسته و مقصود از کاغذ فُستقی، کاغذی به رنگ پسته است.

۲. استاد ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه با هم‌کاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، *فهرست نسخه‌های خطی*

کتابخانه ملی ملک، ج ۷، ص ۱۱۰.



۱۰۶۴ در بردارد^۱ و بخش دیگرش نیز تاریخ کوتاه‌تر و فشرده‌تری را تا درگذشت شاه عباس دوم گزارش می‌کند.^۲ اخبار روزگار شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق) در این نسخه تا روی دادهای ۱۰۵۹ قمری دنبال می‌شود و پس از آن ناگهان از درگذشت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ ق) و جلوس شاه سلیمان بر جای او در همان سال خبر می‌دهد و با گزارشی درباره برخی از روی دادها تا ۱۰۷۹ قمری، پایان می‌یابد.

محمد مظفر در انجامه این رساله از خود نام نمی‌برد، اما با توجه به همانندی رسم الخط او با دیگر رسائل موجود در این نسخه و همانندی آن با دیگر خطهای نستعلیق وی، در انتساب این رساله به او نمی‌توان شک کرد. انجامه این رساله چنین است: «به تاریخ یوم الثلاثاء سلخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۸۸ هجری مطابق دوازده تیر ماه جلالی در دارالسلطنه اصفهان مرقوم شد^۳».

به‌گمان، عنوان‌ها در این رساله به رنگ زرنیخ زرد و نام‌های افراد و سال‌ها و روزها (سنوات و ایام) به سنگرف نوشته شده‌اند. محمد مظفر هم‌چنین در حاشیه روی دادهای شوال ۱۰۵۳، به مناسبت ذکر خبر اتمام تالار عالی قاپو به فرمان شاه عباس دوم، ماده تاریخی از زبان آخوند امینای یزدی، شاعر هم‌ولایتی خویش می‌آورد: «آخوند امینای یزدی در اتمام تالار قطعه‌ای گفته که این مصرع تاریخ آن است: تالار قبله گاه سلاطین دین پناه^۴». البته این ماده تاریخ با ۱۰۵۳ سازگار نیست، بلکه با ۱۰۷۷ برابری می‌کند. به هر روی، وجود ولی قلی شاملو نیز در قصه‌های خاقانی، بر درست بودن فرمان شاه عباس دوم درباره برپا کردن تالاری در عالی قاپو رو به میدان نقش جهان (۱۰۵۳ ق) دلالت می‌کند.^۵ اشارت محمد مظفر به این نکته در حاشیه که ناگزیر آن را هنگام کتابت مطلبی

۱. ملا کمال، تاریخ ملا کمال (در قالب مجموعه‌ای در تاریخ صفویان)، تصحیح ابراهیم دهگان، ص ۱۲۳.

۲. خلاصه التواریخ (در قالب مجموعه‌ای در تاریخ صفویان)، تصحیح ابراهیم دهگان، ص ۲۶ - ۱.

۳. مجموعه خطی کتابت محمد مظفر یزدی، نسخه خطی، ص ۵۹.

۴. همان، حاشیه صفحه ۵۶.

۵. ولی قلی شاملو، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، ج ۱، ص ۲۸۰.



در این باره به یاد آورده است، خود نشان دهنده توجه او به احوال دانش‌مندان و ادیبان هم‌ولایتی او و آگاهی‌اش از زندگی علمی و ادبی آنان است. احوال آخوند امینای یزدی را محمد مفید مستوفی بافقی در جامع مفیدی^۱ و محمد طاهر نصرآبادی در تذکره نصر آبادی^۲ همراه با برخی از اشعار او آورده‌اند.

گفتنی است در پایان این رساله نیز آن‌جا که درباره جلوس شاه سلیمان و تغییر نام وی از صفی به سلیمان سخن می‌رود، چنین آمده است: «و شخصی از مردم یزد این مصرع را تاریخ یافته بود: شد سلیمان زمان شاه صفی^۳». این تاریخ با ۱۰۷۸ برابر است. با توجه به اینکه بخش دوم این نسخه، تلخیصی از دستورالوزرا، نوشته خواند میر (م ۹۴۲ ق) درباره تاریخ وزیران به همت محمد مظفر به شمار می‌رود، درباره بخش نخست آن نیز می‌توان گمان زد که آن هم تحریری مستقل از وی بر پایه تاریخ ملا کمال بوده و مطالبی در پایان بدان افزوده باشد. او این تلخیص را در اصفهان سامان داد. این مسئله و تصریح محمد مظفر در انجامه رساله پیشین درباره کتابت آن در اصفهان، نشان می‌دهد که وی همچون بسیاری از اهل علم و ادب در آن روزگار، دست کم چند گاهی در دارالسلطنه اصفهان (مرکز علم و ادب) سپری کرده و تاریخ ختم این تلخیص را بیستم جمادی الثانی ۱۰۸۸ (کمابیش پنجاه روز پس از پایان کتابت رساله پیشین) ثبت کرده است. وی درباره انگیزه خود از سامان‌دهی تلخیص چنین می‌نویسد:

معروض می‌گردد که در این اوان در دارالسلطنه اصفهان، انتساخت مختصری از تاریخ انبیای کرام و سلاطین عظام از مؤلفات بعضی از متبعین تواریخ اتفاق افتاد و چون آن مختصر از ذکر وزرای صائب رای خالی بود، به خاطر فاتر رسید که خلاصه‌ای از کتاب دستورالوزرا که تألیف خوند امیر^۴ مورخ است، التقاط و از آن بعضی حالات

۱. محمد مفید مستوفی بافقی، پیشین، ص ۴۳۲ الی ۴۳۵.

۲. محمد طاهر نصر آبادی، تذکره نصر آبادی، تصحیح احمد مدقق یزدی، ص ۲۹۰.

۳. مجموعه خطی کتابت محمد مظفر یزدی، نسخه خطی، ص ۵۹.

۴. محمد مظفر یزدی در این‌جا خواند میر را «خوند امیر» ضبط کرده است. شاید این ضبط نشان‌دهنده تلفظ و ضبط دیگری از این نام در روزگار نویسنده بوده باشد که به انگیزه پاس‌داشت امانت و حفظ اصالت آن، به همان شکل نقل شده است.



وزرا استنباط نماید. از آن رو، به ترقیم این مختصر جرأت نمود و چون مؤلف مذکور بنابر عدم اطلاع بر احوال وزرای سابق بر زمان اسلام به ذکر آن جماعت سوای آصف بن برخیا و بوذرجمهر^۱ نپرداخته و آن کتاب را مصدر به ذکر ایشان ساخته، تتبع طریقه او نموده، ابتدا به ذکر ایشان می‌نماید. امید که از خطا مصون و به حصول مقرون گردد و بالله التوفیق^۲.

محمد مظفر این رساله را بدین امید به پایان می‌برد که پس از این تلخیص درباره ذکر احوال وزرای عهد تیموری، به تألیف تاریخ وزرای عهد صفوی دست بگشاید. روشن نیست که این آرزوی محمد مظفر تحقق یافت یا نه، اما اگر او بدین کار دست زده باشد و زمانی نسخه‌ای از آن به دست آید، گمان می‌رود که اثری ارزشمند و شایسته باشد. بنابراین، باید پذیرفت که مقام وی چیزی فراتر از خوش‌نویس و کاتب، بلکه از شأن نویسندگانی نوآور برخوردار بوده است. به هر روی او در پایان این رساله چنین می‌آورد:

به اتمام و اختتام رسید این کلمات پریشان که به همت درویشان کم‌ترین بندگان ایشان، ابن محمد حکیم محمد مظفر یزدی در دار السلطنه اصفهان به تاریخ یوم الجمعه، بیستم شهر جمادی‌الآخر سال ۱۰۸۸ از هجرت، از کتاب *دستورالوزرا* که تألیف افصح المورخین خواند امیر مورخ است، انتخاب نمود و اراده، بل امید آن است که خاتمه این مؤلف به ذکر وزرای عظیم الشان سلاطین سلسله علیه صفویه - ایدهم الله بالدوله السرمديه - محلی و مزین گردد و ما توفیقی الا بالله توکلت علی الله و لا حول و لا قوه الا بالله. التماس از ارباب الباب آن است که اگر بر خطایی که لازمه انسان است، مطلع گردند، دامن عفو و اصلاح بر آن پوشند و در عیب‌جویی که از اخلاق ناپسندیده است نکوشند^۳.

سومین و آخرین رساله موجود در این نسخه، تاریخ شاه عباس دوم (ثانی)، نوشته محمد طاهر وحید قزوینی (م نزدیک به ۱۱۱۲ ق) است که ابراهیم دهگان آن را با عنوان *عباس‌نامه* و سید سعید میر محمد صادق آن را با عنوان *تاریخ جهان آرای عباسی* تصحیح و به چاپ رسانده‌اند. هرچند پایان این رساله افتادگی دارد و ۲۶ برگ پایانی‌اش از نو نوشته

۱. در اصل «ابوذرجمهر» بوده است.

۲. مجموعه خطی کتابت محمد مظفر یزدی، نسخه خطی، ص ۶۴.

۳. همان، ص ۱۴۲.



شده است، با توجه به رسم الخط آن، بی‌گمان محمد مظفر (کاتب دو رساله پیشین) آن را نوشته است. گمان می‌رود که تاریخ کتابت آن نیز نزدیک به زمان نوشتن دیگر بخش‌های نسخه باشد. از این‌رو، بدون توجه به بخش نو نوشته نسخه، کتابت محمد مظفر یزدی از این اثر با توجه به اختلاف زمانی اندک آن با تاریخ تألیف کتاب (هنگام حیات مؤلف)، آن را به نسخه‌ای ارزنده و معتبر بدل ساخته است و از این روی که جای نوشتن دو بخش دیگر این نسخه، دارالسلطنه اصفهان بوده است، شاید این پاره اخیر نیز در اصفهان استنساخ شده و شاید محمد طاهر وحید قزوینی نیز آن را دیده باشد.

در انتهای مقاله، برخی از نمونه‌های آثار دست‌نویس محمد مظفر یزدی به‌ویژه انجامه‌های او عرضه می‌شود تا خوانندگان هنر خوش‌نویسی و نقاشی وی را دریابند.

نتیجه

محمد مظفر یزدی را از هنرمندان خوش‌نویس و نقاش اواخر عهد صفوی می‌توان به شمار آورد. پایه و رتبه استادی و چیرگی وی در نگارش انواع خطوط چون نستعلیق، شکسته نستعلیق^۱ و نسخ و مهارت او در هنر نقاشی، در آثار دست‌نویس موجود وی به نیکی نمایان است. هم‌چنین اهتمام ویژه وی در استنساخ، تحریر و تلخیص برخی از تاریخ‌های مشهور روزگارش، افزون بر دغدغه و همتش درباره تحریر تاریخ وزرای عهد زندگانی‌اش و باریک‌بینی او در ثبت انجامه کتابت‌هایش، از ذائقه و شگفتی‌های تاریخ‌نگاری او خبر می‌دهد. او از کاتبانی است که انجامه‌های آنان پایگاه اجتماعی و مشرب فکری‌شان را در بردارد و این ویژگی او، از التزامش به طریقه نعمت‌اللهی حکایت می‌کند.

۱. نمونه خط شکسته نستعلیق محمد مظفر یزدی در سمت چپ تصویر شماره یک (روبه‌روی انجامه رساله اصطلاحات شاه نعمت‌الله ولی) موجود است که دو حدیث در فضایل امام علی علیه السلام در بردارد.

بيتها الفخار يتجان علفت من ابيها المرحوم اذ هبت الحصى واذما تجت ووضعت على الحصى
 قطعت الرطاب الاسرائيلي واذما شرب منها واذما خربط بالاطلاق المطير من نعت من لدغ الحيات
 والعقارب وسائر الهوام وذكر بعضهم ان الفخار اذا شربت جفت استنقلا في البطن
 نعت من اختلاف الحراطة والودكيد وانفق القيل موافق خاصة الامساك المرصع قرحا لا
 ووجع الامعاء الاسرائيلي وانفق الحبر والقيء والجن اذا شربت الخيل نعت من الحبر والقيء
 والحروق المشف وسوى الاثني والحبر الذي يقال له ملاطيقا والحبر الذي يقال له دوكا
 والبهر شابهة في القوة ويوافق اذا شربت شرب السم الذي يقال له اوقيطيون واذما شرب الخيل
 واقعت جود اللبن في المعدة وانفق ولدا لا يولد منها اذا شربتها المرأة كآسيا يام بطل الله
 نعت من الحبل والبريم ايضا يدرى الدابة الحبرية في حال الهوان لا يفرق في وقتها في الحلب
 واذما شرب الحبر الذي يقال له اوقا قوما شبيهة من الحبر واذما شربوا قوما شرب من حبر
 اوجع النساء التي تعرض من الحشاش والحلوق من ارباب الكائنات لا يقبل هذا الحيوان حبر لانه لا
 اخذ الحبر انما وخاصة الحبر في حبرها ما وبعدها تبيد ثم شدة في اكلها الذي
 على الفخار الحرفي نعت على الفخار القوي انما ان كانت الحصى التي هذا الحيوان في ارضه صارت
 سرها وان لم تكن في شدة كما وانما نعت الفخار العودا ان كانت حرا وها لا تقوى على السباحة بعد
 الجمل على الفخار فهو غير ما كان دائما وتدرج كما كان جاسدا افعج في لحم الاما في جفون ينجح
 جمل تجلبد قويا اذا حطبته بالزيت واللح والشب والكرات بمقدار قصدة نقي وتخلل بين



نامه تاريخ بزوهان، سال ششم، شماره بيست و يكم، بهار ۱۳۸۹



والبرقان ومن تشبه الرشيحة وأذا تصد به اخضر الاورام البليغية وتعمل قشره مثل فعل ثمرة واذا طبع ثمرة
 به ماء من شراب وشرب اذبل الطحال فاذا تصد به نفع من وجع الاسنان وقد يرافق النساء اللواتي يسيل
 من ارجاسهن بلوبات زمانا طويلا اذا طبع وجلس في طيحه وقد يصب عليه على الذين تولد بهم الفلج الصبي
 فيعفوه وترياد خشب الطرغا اذا احتق قطع سيلان الرطوبات من الارحام وقد يعمل بعض الناس من
 ساق شجرة الطرغا سوادا يستعملها المطرلين ويشربون قواما يشربون به لاقطاج وهو ان الشرساها
 نافع عند الرزق ينع من الاورام الباردة اذا دخن به ولاكثر الاورام الباردة ينع من استنجا اللثة
 ويضج بها لركام والجذيرك ينع نفعاً جيداً الاسراشي اذا مدخن بها نعت من اخذها العنت في غيره
 ما يرد به اذا ذرر ماد الطرغا على القروح الرطبة جففها وبخاست القروح التي يكون من حرق الماء
طرخون الطرخون من بقول المائدة والطرخون عند اهل مصر واهل صقلية بقلة تشبه
 الكزبرة وهي من بقول المائدة وترسم غوم اندا كرسن البرق اللدقيق الورق وهو الحسبي ايوانا تيار
 والطرخون بالعراق بقلة كالنخع مسبح العاقرقرجا اصل الطرخون الجبلي على من خشب

الطرخون يسمى القارسية الطرخون
 وهو نبات طوي الوراق قويا الساق
 ينمو على الارض من شهر ربيع الى ربيع
 ينبت الشبان الرخس اول ظهوره
 ثمران يعلو عوده ويبلغ ساقه
 وهي من بقول المائدة تسمى حديسا
 الطرخون الخضر مع النخع وغيره
 البقول يهضم السهوه ويطلب الكزبرة





من الثمرات المولدة بالجراسين البطين بطولها ما بين ثمانية وثمانين على من الحبوب وقد تجدد بالبلع في وقتها
 الباسق في اهلها جيت ويصلح للكل ١٥ اوقى وهو ناعم الكرم والبزق اذا كانت مزهرة في شهر ربيع
 انا من حرقه في بقر بعد ان يجمع ويوضع في ثوب نظيف في الحنف في الظل ولا يكون من شئ يفسد

سوريات وقلبيبا وقرنبيبا ونحوها وقوة هذه الزهور ما بين ثمانية وثمانين اذا شرب كان جوارا للعدة ودية
 البرول باسكدا البعير ويقطع نكتة الدم وهو صالح للعلماء التي يمرض فيها الكربة يخفف فيها الطعنة
 وقد يخلط بالخل ودهن الورد ويحق ويعطون منه واذا شرب منه ثلثين يوما في كل يوم سقلا

الانور



نامه تاريخ پوهان، سال ششم، شماره بيست و يكم، بهار ۱۳۸۹

هو العاقرة فرحا ويقال كركرا كولس اسم فارسي وتسمى العربية الرمثة
هو صنف من الاثنان كولم سوالफल كوميدون سوالكمون
كوفيران هو البسر **كوهيان** قد ذكر مع اصناف الكرات في
حرف الكاف ثم حرف الكاف بقلبه من الجزء الاول من كتاب العاقرة
ويتلوه في المجلد الثاني حرف اللام لك والمحمد لله

رب العالمين والصلوة والسلام
على محمد وآله الطيبين

المجلد الثاني الذي ذكر في الامام زيد الكاشف الذي عطف في كتابي في يوم يومه الجواب
والصلوة والسلام على سوا محمد وآله واصحابهم والقبول في الفروع الشرعية
على يوم يومه وجاء التاسع عشر من شهر ربيع الاول سنة ثمان مائة وسبع وستين
مؤلف لهما لا كرام الصالحين عظمه لا كرامته في كتابي في يوم يومه الفاضل
الاجزاء في العمل عند النضار الكرام من يوم القديس بسبب اننا العظام التي
بها يميز الله العالمين من بعض ممالك الالهة فتعد في طوائف قانم بغير ذلك الساجد
فانما يميز من سواهم الهداية والقبول الذي يستحقنا من الشرفية على النور والوقار
فانما يميز من سواهم في الاشارة والاطراف في سواهم من سواهم من سواهم من سواهم
فانما يميز من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم

ولا عوارث من قبله بالنبالي ولا يبرحني اني محمد وآله عليه السلام
فانما يميز من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم من سواهم
على مرتبة ما تميزوا به من خلق العظيم
عليه وآله الصلوة والسلام

محمد مظفر بن محمد حكيم بزدي، كاتبي از درويش هاي نعمت الهه في در عصر صفوي



مسئله است که در مورد ...
کلیاتی که در مورد ...
سنه ۱۰۵۹ در سراج ...
نیاید آورده ...
بگشاید ...
کلیاتی ...
درجه ...
مورد ...
استان ...
درجه ...
حوالی ...

اتفاق ...
کلیت ...
این ...
و ...
و ...
و ...

اصول ...
محل ...
سنه ...
تاریخ ...

نامه تاریخچه زهان، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۸۹



در روز دوشنبه پادشاهان کروی پیام برین شاه ساجی مردم که لقبش پیر آنت است که بدست او روز و دنیا را مونا و غیر
 نگشته و کج آنرا با برتن عتله درین سلامت کند و درین صحت از کرد و عداوتی پیش نماند تا بر شکار و دنیا و آخرت نبرد
 که در آن روز که اعیان برایش بلند و صاحب ارجمند منسوب به که در با کجا در خفا این شیوه سلوک باشد که موجب شکران دنیا و غیر
 نشود و این را لا محاله این کون که که با عجز یا بر داشته است به دوست و ظالم که در دنیا با تمام او خفتنم رسیده این عمل است
 که در صحت از دنیا که درین سلامت است این که درین عظیم خود مظهر چه در در در سلطنت اصمندان بتابع خود که در
 شهرها و دیار آن فرستادند و پیشتر داشتند که در صحت از کون که در دستور الهی را که تا لیس الفصح المورحون خوانند این
 در روز اول ماه است که خاتمه این موافق به که روز در عظیم است این سلاطین سلسله علوی صفوی را در هم اندر عالم
 العربیه عملی به نبرین کرده و با توفیق الهی با به توکلت علی الله و الا حول و الا قوة الا با سر الهی من ان اباب الهی است
 هر خطا که لازم است مطلق کرده و درین مقرر و اصطلاح بر این پوشنده و در این مقرر که از اهل این با این به است که



محمد مظفر بن محمد حکیم بزدی، کاتبی از درویش های نعمت الهی در عصر صفوی



کتاب‌شناسی

۱. افشار، ایرج و دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۲)، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، تهران، چاپخانه دانش‌گاه تهران.
۲. (۱۳۶۹)، نشر هنر.
۳. (۱۳۷۱)، نشر هنر.
۴. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، نسخه خطی، کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۳۲۴.
۵. بی‌نا، بی‌نا (منسوب به تاریخ ملا کمال)، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، جزء اول، شماره ۳۹۲۰.
۶. بی‌نا، *فوائد آیات*، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، جزء اول، شماره ۶۱۹۰.
۷. دانش پژوه، محمدتقی و علمی انواری، بهاء‌الدین (۱۳۴۱)، *فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس سنا*، تهران، انتشارات دانش‌گاه تهران.
۸. دهلوی، امیرخسرو (۱۹۷۵ م)، *مطلع الانوار*، تصحیح طاهر اوغلی محرم اوف، مسکو، آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
۹. رازی، امین احمد (۱۳۷۸)، *تذکره هفت اقلیم*، تصحیح سید محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران، انتشارات سروش.
۱۰. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، *تاریخ خط و خطاطان*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۱. سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶)، *تحفه المحبین*، تصحیح کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار، تهران، نشر میراث مکتوب.





۱۲. سعدی خزرچی، احمد بن قاسم معروف به ابن ابی اصیبعه (۱۹۶۵ م)، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، تصحیح نزار رضا، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاه.
۱۳. شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، *قصص خاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. طبیب شیرازی، کمال بن نور بن کمال، *تریاق فاروق* (هفده رساله طبی)، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رساله هفدهم، شماره ۳۵۲.
۱۵. غافقی اندلسی، احمد بن محمد، *الجامع فی الادویه المفرده*، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۹۵۸.
۱۶. قمی، قاضی احمد (۱۳۶۳)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانش‌گاه تهران.
۱۷. کبر، نجم‌الدین، *دو رساله عرفانی آداب المریدین و السائر الحائر الواجد الی الساتر الواجد الماجد* (۱۳۶۲)، به اهتمام حسین بدرالدین، تهران، نشر صفا.
۱۸. کرمانی، عبدالرزاق (۱۳۶۱)، *تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی* (مجموعه ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی کرمانی)، تصحیح ژان اوپن، تهران، کتابخانه طهوری.
۱۹. مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، *جامع مفیدی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات اسدی.
۲۰. مشیزی (بردسیری)، میر محمد سعید (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.
۲۱. ملا کمال، تاریخ ملا کمال (۱۳۳۴)، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، بی‌نا.
۲۲. منشی، اسکندر بیگ (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.

۲۳. نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸)، *تذکره نصر آبادی*، تصحیح احمد مدقق یزدی، یزد، انتشارات دانش گاه یزد.
۲۴. وارد تهرانی، محمد شفیع (۱۳۴۹)، *تاریخ نادر شاهی* (نادرنامه)، تصحیح دکتر رضا شعبانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۵. وحید قزوینی، محمد طاهر، *تاریخ جهان آرای عباسی* (عباس نامه)، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، جزء سوم، شماره ۳۹۲۰.
۲۶. وقاری طبسی یزدی، محمد امین (۱۳۸۴)، *گل دسته اندیشه*، به کوشش محمد رضا ابوئی مهریزی، یزد، انتشارات اندیش مندان یزد.
۲۷. ولی، شاه نعمت الله، *مجموعه رسائل شاه نعمت الله ولی*، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجموعه سنا)، شماره ۳۷۲.
۲۸. هروی، محمد بن شیخ محمد، *بحر الغرایب*، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، جزء دوم، شماره ۶۱۹۰.
۲۹. یزدی، محمد مظفر، *تلخیص دستور الوزرای خواند میر*، نسخه خطی، کتابت محمد مظفر یزدی، کتابخانه ملی ملک، جزء دوم، شماره ۳۹۲۰.
۳۰. یزدی، محمد مقیم، *وسيله النجاه*، نسخه خطی، کتابخانه وزیر یزدی، شماره ۱۰۳.

